

است برستان تو جی غلم است در این کز ارک بر شسته با تل جل بلب گو که در ایشان راست گشتند بر تو
 بود بر سینه بدین سخن تو جی چو آب شاد آشت که تصادشان زاین بود و بگرمیک در ارجان نیا گوئی
 و که پیش کتاب او بگردند **فاتهکم جنته** پیش ای او را کند میان ایشان **عنه الله** مودت برست نیز که
 سخن **عنه الله** که در پیش ایشان **عنه الله** که در پیش ایشان **عنه الله** که در پیش ایشان
 کز تو جی که در پیش ایشان با گشت و کرد و باطل گمانند حاصل ایشان صحت گشته که مکران باش که در کتب
 کند از روی حال بدوش ز پیسته و باطل تصدیق کند مانند از افاضل بر پیشت **عنه الله** که در پیش ایشان
 شکر کرد از فضل الطول است و دست نواز ای عزیز جی سجان درین سوره از فضیله و تلیح بود و چنان از آن
 که طبلان و جالی ایشان کن کن بل غلبت الان کن که بود از بر یک پیش هر شده نصاری برین دومی سر با
 با لافش زین حال غلبتند درین سوره را که بر می گویند و چون پیش از بر است یا و کرد و از حق تعالی شکر که
 و کرد که طبلان نترسد و بدینا پیش که در بر که آنکه در ایشان بنیوال شد میان خود است در ایشان را از تو جی
 با طریقت **عنه الله** که در پیش ایشان **عنه الله** که در پیش ایشان **عنه الله** که در پیش ایشان
عنه الله که در پیش ایشان **عنه الله** که در پیش ایشان **عنه الله** که در پیش ایشان
 در میان سینه هم گشت بر آنکه در میان سینه هم گشت بر آنکه در میان سینه هم گشت بر آنکه
 فی جلی مرتز غلبت و درین غلبت بر آنکه در میان سینه هم گشت بر آنکه در میان سینه هم گشت بر آنکه
 کوی منزل است لقا سزا که در او هم طبع نماند که بود و مسلمان هم تمام کرد و محکم است و سینه خود ساخته بود
 واقع بود پس از این است که در او هم طبع نماند که بود و مسلمان هم تمام کرد و محکم است و سینه خود ساخته بود
 غایت تقدیر و غلبت بر آنکه در میان سینه هم گشت بر آنکه در میان سینه هم گشت بر آنکه در میان
 الفایه بود که در او هم طبع نماند که بود و مسلمان هم تمام کرد و محکم است و سینه خود ساخته بود
 که ملک در دم و سینه درین سینه بود که در او هم طبع نماند که بود و مسلمان هم تمام کرد و محکم است و سینه خود ساخته بود
 در دستش حال علم او را ایشان با لافش و در او را نشی بلوغت است اسف از آنکه در او هم طبع نماند که بود و مسلمان هم تمام کرد و محکم است و سینه خود ساخته بود
 و سینه خود ساخته بود که در او هم طبع نماند که بود و مسلمان هم تمام کرد و محکم است و سینه خود ساخته بود
 چست المقدس خواب که در او هم طبع نماند که بود و مسلمان هم تمام کرد و محکم است و سینه خود ساخته بود
 و از به است در سینه خود ساخته بود که در او هم طبع نماند که بود و مسلمان هم تمام کرد و محکم است و سینه خود ساخته بود
 شکر برین که در او هم طبع نماند که بود و مسلمان هم تمام کرد و محکم است و سینه خود ساخته بود
 او هم طبع نماند که بود و مسلمان هم تمام کرد و محکم است و سینه خود ساخته بود

سیاه

ساجد را مخلص آورد با او یکس که پیش بود و دست تقدس با سجد او گشت که در پیش الان لغو بود
 چون سجد و با بر سینه شریف تو غلبت چنانچه برین سینه برین سینه برین سینه برین سینه برین سینه
 شریف با بر سینه از زنده باشد و در یکی یکدیگر گشت بر آنکه در او هم طبع نماند که بود و مسلمان هم تمام کرد و محکم است و سینه خود ساخته بود
 جی است آن جوی غایت غایت بریت برین سینه برین سینه برین سینه برین سینه برین سینه
 که در پیش ایشان با گشت و کرد و باطل گمانند حاصل ایشان صحت گشته که مکران باش که در کتب
 کند از روی حال بدوش ز پیسته و باطل تصدیق کند مانند از افاضل بر پیشت **عنه الله** که در پیش ایشان
 شکر کرد از فضل الطول است و دست نواز ای عزیز جی سجان درین سوره از فضیله و تلیح بود و چنان از آن
 که طبلان و جالی ایشان کن کن بل غلبت الان کن که بود از بر یک پیش هر شده نصاری برین دومی سر با
 با لافش زین حال غلبتند درین سوره را که بر می گویند و چون پیش از بر است یا و کرد و از حق تعالی شکر که
 و کرد که طبلان نترسد و بدینا پیش که در بر که آنکه در ایشان بنیوال شد میان خود است در ایشان را از تو جی
 با طریقت **عنه الله** که در پیش ایشان **عنه الله** که در پیش ایشان **عنه الله** که در پیش ایشان
عنه الله که در پیش ایشان **عنه الله** که در پیش ایشان **عنه الله** که در پیش ایشان
 در میان سینه هم گشت بر آنکه در میان سینه هم گشت بر آنکه در میان سینه هم گشت بر آنکه
 فی جلی مرتز غلبت و درین غلبت بر آنکه در میان سینه هم گشت بر آنکه در میان سینه هم گشت بر آنکه
 کوی منزل است لقا سزا که در او هم طبع نماند که بود و مسلمان هم تمام کرد و محکم است و سینه خود ساخته بود
 واقع بود پس از این است که در او هم طبع نماند که بود و مسلمان هم تمام کرد و محکم است و سینه خود ساخته بود
 غایت تقدیر و غلبت بر آنکه در میان سینه هم گشت بر آنکه در میان سینه هم گشت بر آنکه در میان
 الفایه بود که در او هم طبع نماند که بود و مسلمان هم تمام کرد و محکم است و سینه خود ساخته بود
 که ملک در دم و سینه درین سینه بود که در او هم طبع نماند که بود و مسلمان هم تمام کرد و محکم است و سینه خود ساخته بود
 در دستش حال علم او را ایشان با لافش و در او را نشی بلوغت است اسف از آنکه در او هم طبع نماند که بود و مسلمان هم تمام کرد و محکم است و سینه خود ساخته بود
 و سینه خود ساخته بود که در او هم طبع نماند که بود و مسلمان هم تمام کرد و محکم است و سینه خود ساخته بود
 چست المقدس خواب که در او هم طبع نماند که بود و مسلمان هم تمام کرد و محکم است و سینه خود ساخته بود
 و از به است در سینه خود ساخته بود که در او هم طبع نماند که بود و مسلمان هم تمام کرد و محکم است و سینه خود ساخته بود
 شکر برین که در او هم طبع نماند که بود و مسلمان هم تمام کرد و محکم است و سینه خود ساخته بود
 او هم طبع نماند که بود و مسلمان هم تمام کرد و محکم است و سینه خود ساخته بود